

ساخت پایتخت ۵ در سازمان فرهنگی رسانه‌ای اوج قطعی شد

اوج مخاطب‌شناسی



شهید اهل قلم جذایبیت تلویزیون را این گونه بیان می‌کند: «کمندی است که با آن صید را به دام می‌کشاند»، مسئله‌ای که در بسیاری از آثار رسانه ملی دیده نمی‌شود، اما در چند سال اخیر سازمان رسانه‌ای اوج به خوبی توانسته است با معیارهای «سیاست‌گذاری راهبردی در حوزه تولیدات هنری» که یکی از اهداف خود است، موفق عمل کند تا مخاطب از طریق

جذایب‌های بصری با ارزش‌های انقلاب آشنا شود. حال در اوج مخاطب‌شناسی به سوی سرمایه‌گذاری در سریالی رفته‌اند که مخاطب به خوبی با آن آشناست. سریال پایتخت که نمایانگر یک خانواده ایرانی با معیارهای اسلامی است با پشتیبانی سازمان اوج به کارگردانی سیروس مقدم و تهیه‌کنندگی الهام غفوری فصل پنجم خود را برای ماه مبارک رمضان آماده می‌کند. ظاهراً و طبق شنیده‌ها،فصل این بار پایتخت ۵، بحال و هوای کاملاً متفاوت با قسمت‌های قبل خواهد بود. قصه‌ای که می‌تواند فصل تازه‌ای را برای سازندگان و تهیه‌کنندگان این سریال پر مخاطب رقم بزند. حبیبیاله والی‌نژاد، مدیر مرکز فیلم و سریال سازمان اوج دراین باره می‌گوید:طی مذاکرات به‌عمل آمده سری پنجم سریال پایتخت با سرمایه‌گذاری سازمان اوج و با حضور گروه سازنده این سریال قطعی و پیش تولید کار نیز بلافاصله آغاز شده است.

مدیر مرکز فیلم و سریال سازمان اوج درباره شروع تولید این فیلم اضافه می‌کند: در حال حاضر فیلمنامه «پایتخت ۵» در مرحله نگارش است و به نظر می‌رسد فیلمبرداری این سریال حدود چهار ماه به طول بینجامد. ضمن آنکه در تلاش هستیم فیلمبرداری کار را از بهمن‌ماه آغاز کنیم. والی‌نژاد درباره لوکیشن‌های سریال نیز خاطر‌نشان کرد: فیلمبرداری بخشی از سریال در کشورهای بحرانی منطقه خواهد بود.

همچنین مدیر مرکز فیلم و سریال سازمان هنری رسانه‌ای اوج، درباره سرنوشت سریال شدی «هنگام بیداری» و تلاقی آن با تولید سریال پایتخت تصریح کرد: طبق برنامه‌ریزی‌های به‌عمل آمده پیش تولید «هنگام بیداری» هم‌زمان با تولید سریال پایتخت ادامه خواهد داشت و پروژه مذکور متوقف نخواهد شد. نکته مهم درباره سرمایه‌گذاری سازمان اوج روی پایتخت ۵ این است که به واسطه پر مخاطب بودن این سریال خیلی از بانک‌ها و مراکز مالی هم بودند که می‌توانستند از این پروژه پشتیبانی مالی بکنند ولی به نظر می‌رسد اندیشه و راهبرد اوج از سرمایه‌گذاری روی این پروژه تأثیرگذاری پنجاه روی مفاهیم ارزشی است که مدیران این سازمان دنبال آن هستند؛ چیزی که در اغلب تولیدات این سازمان به خوبی به چشم می‌خورد.

سازمان فرهنگی رسانه‌ای اوج بااینکه عمر فعالیتش به‌نسبت خیلی از نهادهای ارگان‌های فرهنگی خیلی کوتاه‌است ولی به واسطه‌مدیر جوان و خوشفکری که شناخت خوبی از فضای رسانه‌ای و فرهنگی کشور دارد، توانست در جریان سازی فرهنگی کشور سهم بسزا و بالایی داشته باشد. در هر حال مسیری که اوج پیش گرفته است نشان‌دهنده‌ هویشیاری آنها در این فضای جنگ نرم است؛ رقابتی که اگر سهل‌انگاری در آن رخ دهد، دشمن به پیشتازی خود ادامه می‌دهد، غفلتی که باعث می‌شود در نهادهای انقلابی دیگر مشاهده کرد، مسئله‌ای که وضعیت تیراز ذائقه و کانال مخاطب ایرانی به سوی تولیدات دشمن شده است.

کتاب

نقد و بررسی کتاب «دو برادر» با موضوع زندگی جلال

جلسه نقد و بررسی کتاب دو برادر با موضوع زندگینامه جلال و شمس آل احمد نوشته محمدحسین دانایی برگزار می‌شود.

در این جلسه که امروز رأس ساعت ۱۵ در محل کتابخانه آیت‌الله طالقانی واقع در منزل مرحوم طالقانی برگزار می‌شود،

محمدحسین دانایی نویسنده کتاب، سیدمحمود دعایی ناشر، سید عبدالجواد موسوی منتقد و مهدی طالقانی فرزند مرحوم آیت‌الله طالقانی و محمد رضا کانیپو پژوهشگر تاریخ که کتاب به اهتمام وی تألیف شده است، حضور دارند.علاقه‌مندان می‌توانند برای حضور در این برنامه به نشانی بیچ شمیران، خیابان شهید نورمحمدی، بیست‌ین آیت‌الله طالقانی، کتبخانه آیت‌الله طالقانی حضور به هم رسانند.

جوان

| روزنامه جوان | شماره ۴۹۷۸ | چهارشنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۵ | ۱۴ دی‌ماه ۱۴۲۸ | اذان ظهر: ۱۱:۵۹ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۲ | اذغرب‌باز: ۱۷:۱۲ | نیمه‌شب‌شروع: ۱:۰۴ | ۲۳:۱۴ | اذ صبح فردا: ۵:۲۳ | طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۰ |

درگیری لفظی تازه عرب‌سرخی و فرحبخش

مناقش‌های به نام شلاق به دست‌های سینما در دهه ۶۰



جواد محرمی

محسن مخملباف، فرحبخش صاحب‌ترین سینماگری

است که از رفتارهای افراطی او در دهه ۶۰ خاطرات زیادی بازگو شده است اما نام فیض‌الله عرب‌سرخی را خیلی‌ها به عنوان کسی که در دوره‌ای از سینمای کشور دستنی بر آتش داشته حتی یک‌بار هم نشنیده بودند تا اینکه سخنان جنجالی حسین فرح‌بخش، تهیه‌کننده مشهور سینما باعث شد نام این فعال اصلاح‌طلب جزو کسانی که عملکردهای جالبی در دهه ۶۰ از خود پرورز ندهاده بر سر زبان‌ها بیفتند.

ماجرای شلاق زدن‌های دهه ۶۰دارد به جاهای باریک کشیده می‌شود. فیث‌الله عرب‌سرخی که متهم اصلی به کار بردن خشونت علیه یک تهیه‌کننده سینما در دهه ۶۰ است تا به حال سیاست سکوت را بر گزیده و واکنشی در این‌باره نشان نداده بود ولی به تازگی در صفحه شخصی‌اش در یکی از شبکه‌های مجازی توضیحاتی در این‌باره داده است. البته او به سرعت پست خود را حذف کرد اما متن یادداشت او پیش از آن از سوی روزنامه کیهی شده و در فضای مجازی دست به دست می‌شد.

حسین فرحبخش در سال‌های اخیر بارها به خفقتانی که در مدیریت فرهنگی دهه ۶۰ و به‌ویژه سینما حاکم بوده است، اعتراض کرده و حتی به برخوردهای فیزیکی در آن زمان با سینماگران نیز اشاره کرده‌است که مهم‌ترین آنها شلاق زدن عبدالله علیخانی توسط فیض‌الله عرب‌سرخی به خاطر ماجرای فیلم‌های خارجی بوده است.

من شلاق زده‌ام!

عرب‌سرخی که طی یکی دو دهه اخیر جزو فعالان اصلاح‌طلب محسوب می‌شود در دهه ۶۰ به عنوان مدیر کل حسرت وزارت ارشد

فعالیت داشته است. او در یادداشت خود به ادعای حسین فرحبخش درباره شلاق زدن علیخانی در وزارت ارشاد این‌طور پاسخ داده است: «مدتی است یکی از تهیه‌کنندگان سینما در رسانه‌های مختلف ادعا می‌کند که در دهه ۶۰ من، فیض‌الله عرب‌سرخی، دوست ایشان را در شلاق زده‌ام. یک‌بار گفته‌اند که دوست‌شان را در بنیاد فارابی و مقابل چشم آقایان زین و بهشتی شلاق زده‌ام و بار دیگر گفته‌اند که در وزارت

راه سعادت

حکمت ۱۲۲
تَبَوُّهُنَّمْ أَجْدَانَهُمْ وَنَأْتِلُ تَرَاتِبَهُمْ كَأَنَّا مُخَلَّدُونَ بَعْدَهُمْ ثُمَّ قَدْ نَسَبْنَا كُلَّ وَاعِظٍ وَوَاعِظُهُ وَزَمِينًا يَكِلُ فَاحِجٌ وَجَانِحَهُ
در حالی که بدن‌هایشان را به گورها می‌سپاریم، و میراث‌شان را می‌خوریم. گویا ما پس از مرگ انسان جوانان‌هایم! آیا چنین است، که افزبر هر پنددهنده‌ای از زن و مرد را فراموش می‌کنیم و در حالی که نشانه تیرهای بلا و آفات قرار گرفته‌ایم؟

| روزنامه جوان | شماره ۴۹۷۸ | چهارشنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۵ | ۱۴ دی‌ماه ۱۴۲۸ | اذان ظهر: ۱۱:۵۹ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۲ | اذغرب‌باز: ۱۷:۱۲ | نیمه‌شب‌شروع: ۱:۰۴ | ۲۳:۱۴ | اذ صبح فردا: ۵:۲۳ | طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۰ |

درگیری لفظی تازه عرب‌سرخی و فرحبخش

مناقش‌های به نام شلاق به دست‌های سینما در دهه ۶۰

جواد محرمی، مدیر مرکز فیلم و سریال سازمان هنری رسانه‌ای اوج

ممنوع‌الفعالیبت باشند، پس وقت جواب دادن زیاد دارند. اما چند مورد بود که باید خدمت ایشان توضیح بدهم، شماز بانده یا آقای علیخانی هرگز شنیده‌اید که بگویم در فارابی یا به دلایل دیگر ایشان را شلاق زده‌اند. آقای عبدالله علیخانی در حراست وزارت ارشاد شلاق خورده است.»

فرحبخش صحبت‌هایش را با اشاره به نکته دیگری از حرف‌های عرب‌سرخی ادامه می‌دهد: «گر کسی قرار باشد واقعا در جامعه صلاح باشد، می‌توانست بگوید بله من زده‌ام و توبه‌ام کرده‌ام و گناه هم کرده‌ام و بروم کنار، مطمئن باشید هیچ موقع به ایشان کاری نداشتیم اما چون ایشان به عنوان مصلح در جامعه مدام در روزنامه‌ها و سایت‌ها مصاحبه می‌کنند و مطلب می‌دهند، افاضات می‌کنند و راه‌حل می‌دهند و خودشان را اصلاح‌طلب معرفی می‌کنند باید صادقانه‌تر عمل کنند. بله خیلی‌های دیگر هم هستند که ممکن است در این جریان گناهکار بوده باشند اما اسم آنها را نمی‌آوریم چون نیستند و مدعی هم نیستند و هیچ‌کاری هم ندارند، نه مدعی اصولگرایی‌اند و نه اصلاح‌طلبی‌که البته من هیچ کدامشان را قبول ندارم. بارها هم گفته‌ام که ما پیرو مکتب اهل بیت هستیم.»

باید در یک مجمعی تا توضیح بدهیم چگونه شلاق زده

این تهیه‌کننده و کارگردان در ادامه این‌طور عرب‌سرخی را خطاب قرار می‌دهد: «بنابراین اگر ایشان بروند حرف، حرف نزنند و در اذهان عمومی نیفتند، جهت خانواده‌اش هم می‌گویم که بشنوند، مطمئن باشید که ما دیگر کلامی نخواهیم گفت. ایشان اگر راست می‌گوید و درست می‌گوید باید در یک مجمعی جلوی آقای علیخانی، من هم نمی‌آیم و جزو تماشاگران می‌نشیم، در یک مجمعی نباید تا آقای علیخانی بگوید که چطور شلاش زده‌اند.»

فرح‌بخش در ادامه به مصاحبه‌های اشاره می‌کند که به قول او عن فریب در فضای مجازی منتشر می‌شود و توضیح می‌دهد: «آنجا گفته‌ام که چطور شلاق زده‌اند، مثبت زده‌اند و چه اتفاقاتی افتاد و پدر و مادر آقای علیخانی چه شدند... ایشان (عرب‌سرخی) اطلاع پیدا کرده و جلوتر، ابتدا به ساکن فرار به جلو کرده است. من و آقای علیخانی از ماجرا کوتاه نمی‌آیم تا زمانی که آقای عرب‌سرخی توبه کند و اذعان کند و بگوید من زده‌ام و عذر هم می‌خواهم.»

داستان تبدیل شدن تندروهای دیروز به اعتدالی‌های امروز در تاریخ انقلاب اسلامی

صادیق زیادی دارد. محسن مخملباف شاخص‌ترین مثال در این‌باره است، فیلمی که در ابتدای دهه ۶۰ به خاطر نمایش فیلم حاجی واشگنگ اثر مرحوم حاتمی به سینماها حمله می‌کرد و تماشاگران را ضرب و شتم می‌کرد و بعدها تا حضور در جشنواره‌های فیلم در سرزمین‌های اشغالی هم پیش رفت. اصولا افراط و تفریط مسلک همه افرادی است که در مقطعی به اقتضای زمان انقلابی می‌شوند و به اقتضای زمانی دیگر در صف معتدل‌ها و پشیمان‌ها می‌ایستند.

خبر

محمد حمزه‌زاده» پس از ۱۴ سال از انتشارات «سوره‌مهتر» رفت

مدیرعامل انتشارات سوره مهر پس از ۱۴ سال مسئولیت مدیریت در این انتشارات را واگذار کرد.

بر اساس این گزارش، حمزه‌زاده که از سال ۸۱ مدیرعامل سوره مهر بود پس از ۱۴ سال مدیریت انتشارات را واگذار کرد. بنابرین عبدالحمید فرداغی، رئیس سابق حوزه هنری البرز جانشین محمد حمزه‌زاده خواهد شد.

محمد حمزه‌زاده متولد سال ۱۳۳۸ تهران، از ۱۷سالگی نوشتن برای مجلات را آغاز کرد و در ۲۲ سالگی اولین کتاب خود را که مجموعه قصه‌ای برای نوجوانان بود به چاپ رساند. از ۲۴ سالگی سردبیر مجلات رشد کودک و نوآموز و دانش آموز وزارت آموزش و پرورش شد. در ادامه فعالیت در مجلات رشد، چهار سال معاون هنری دفتر انتشارات کمک آموزشی بود.

وی که فارغ‌التحصیل کارشناسی کارگردانی سینماست، کار در حوزه هنری را با همکاری با دفتر ادبیات و هنر مقاومت شروع کرد. سپس وارد مجله سوره نوجوانان شد و چند سالی به طور همزمان با سه دفتر رشد، مقاومت و سوره نوجوانان همکاری داشت. از سال ۸۱ دوباره به حوزه آمد و مسئولیت انتشارات سوره مهر را بر عهده گرفت. از این نویسنده تاکنون ۱۵ کتاب برای کودکان و نوجوانان به چاپ رسیده که تعدادی از آنها برنده جوایز مختلف ادبی شده‌اند.

حمزه‌زاده فارغ‌التحصیل کارگردانی سینما در مقطع کارشناسی است. او کار خود را در حوزه هنری با همکاری در دفتر ادبیات و مقاومت شروع کرد. سپس وارد مجله سوره نوجوان شد. از سال ۸۱ مسئولیت انتشارات سوره مهر را بر عهده گرفت. «چشم چشم دو ماهی» از آثار وی به شمار می‌رود. وی از چند ماه پیش همزمان با مدیریت سوره مهر مدیرعامل سازمان توسعه سینمایی سوره را نیز عهده‌دار بود.

نما | حسین کشتکار



به بهانه پایان یافتن دهمین جشنواره سینما حقیقت

«سینما حقیقت» به دنبال کشف و نمایش «حقایق» باشد

نه برخی واقعیت‌های سیاه و تظاهرکننده

صابرالله‌دادیان

دهمین جشنواره سینمای مستند ایران «سینما حقیقت» هم به کار خود پایان داد. این جشنواره که با شناختن برگزیدگانش در چندین بخش جوایزی از جمله نشان فیروزه

را تقدیم سینماگران برگزیده کرد، با توجه ویژه به برخی آثار که از لحاظ محتوایی با معنا و محتوای «سینما حقیقت» همسویی نداشته و ندارند، راه را برای تحریف سینما حقیقت در نمایش واقعیت‌های سیاه و تلخ به جای حقیقتی که باید در پی کشف آن تلاش و مجاهدت کرد، باز کرده است.

در جشنواره امسال نمایش برخی آثار مستند دون شان جشنواره نام و اعتبار خود را از دست داد. این جشنواره‌هاش که با شناختن و است ترویج و مردان ارباب نمایشی و محتوایی میسان نمایش آثار و سیاست‌های برگزاری چنین جشنواره‌ای می‌تواند راه را برای تحریف معنای اصیل در زمینه‌های فکری سینما به خصوص سینمای مستند باز کند. نمایش برخی آثار همانند مسافران، زنانگی و مردان ارباب جنشیدر بخش‌های مختلف جشنواره نشان می‌دهد که نه تنها رگه‌های لیبرالیسم و اومانیسیم و در کل تفکرات شبه‌روشنفکری هنوز در سینمای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد بلکه برخی سیاستگذاران و مدیران فرهنگی نیز از ترویج و انتشار آنها در افکار و اذهان عمومی ایباری ندارند.

نمایش چندبهاره فیلم‌هایی همچون زنانگی سر پرده نمایش جشنواره که در رابطه با زندگی چندفاحشه در سطح شهر تهران است که همگی در یک خانه‌نام تجمع کرده‌اند، معنای مقدس خانه را در فرهنگ ایرانی و اسلامی لکه‌دار کرده‌اند، نشان دهنده مسیر غلطی است که برخی سیاستگذاران فرهنگی در پیش گرفته‌اند، این مسیر می‌تواند ناخواسته راه را برای ورود فعالان تعصب‌گرا از جنبه‌های فرهنگی کشور نیست زیرا جشنواره معاند و منحرفان فکری که با اساس نظام اسلامی نیز اویزه دارند به سینما و اتفاق فکر آن باز کنند. سیاستگذاران و مدیران جشنواره سینما حقیقت باید بدانند که انتخاب کلام روشنگر امام و مولای متقیان برای سینما حقیقت، نه تنها یک شعار بلکه پیشانی اعتدالی و عملکرد جشنواره است و در تمام جهات از انتخاب آثار برگزیده هم برگزاری و تعامل با سینماگران و مدعوین و نیز نمایش آثار و انتخاب بهترین‌ها برای کسب جوایز جشنواره این حقیقت را الگو قرار داده و خط قرمز خود بدانند که عدول از آن همانا منافی حقیقت و کلام امیر خواهد بود.

این است که فکر و ذهن قاطبه مردم در حد خود به حوادث دیگر با واژه مدافعان حرم آشنایی کامل دارند و می‌دانند که آنها را در بخش مزین به نام شهید اونی هم دید، واقعیت‌های تلخ و گزنده جامعه را که تاگزیر در هر جامعه‌ای وجود دارد به تمامیت جامعه و مردمش تعمیم داده‌اند و با حضور این آثار در

نگاهی به ضعف در راهبردهای کلان رسانه ملی

خواب آلودگی صداوسیما در ماجرای آزادی حلب



فرزین ماندگار

هیچ‌کس فکر نمی‌کرد صداوسیما در ماجرای چون آزادسازی حلب هم از مردم جا بماند و فضای مجازی در این‌باره هم نیز پیشستازی خود را حفظ کند. آزادسازی حلب

بیش از اینکه در راد یو تلویزیون ایران باز تاب داشته باشد در شبکه‌های خارجی منطقه و جهان باز تاب داشت.

روز گذشته در شبکه‌های مجازی عکس‌هایی از توزیع شیرینی از سوی برخی بسیجی‌ها در سطح شهر انتشار یافت و در میان

مردم نیز آزادسازی حلب سوزه داغی بود و به همین میزان انتشار می‌رفت صداو سیما در بخش‌های مختلف خود به این ماجرا به شیوه‌ای هم‌شان با این اتفاق به‌رادمز اما به جز اشار‌هایی معمولی در بخش‌های خبری این موضوع تغییری در برنامه‌های صداوسیما ایجاد نکرد.

نقش جوانان ایران در پیروزی‌های عراق و سور به اطلاع دارند،

این مسائل حساسیت نشان می‌دهند. برای همین صداوسیما

با سه سال پیش تفاوت عمده‌ای دارد. اگر در مقطعی فضای افکار عمومی به گونه‌ای بود که بشار اسد را نیز مانند قذافی دیکتاتوری از جهان عرب می‌دانست که باید به طور طبیعی سقوط کند، این‌فا خیلی وقت است که شکسته است. در واقع انتشار جنایات وحشیانه گروهی مثل داعش و پشتیبانی غرب از این گروه تروریستی وجدان بیدار هر ایرانی را مجاب می‌کند که ایران باید دور تر از مرز‌های خود در مقابل چنین خطری ایستادگی کند و امروز این حقیقت برای اغلب ایرانی‌ها اثبات شده است و صداوسیما نیز متأثر از این تحولات فکری باید نقش تاریخی خود را در مواجهه با حوادث منطقه ایفا کند.